



پاسخ به انتقادات بودجه‌ای

پیمان جبلی، رئیس سازمان صداوسیما درباره انتقادات مطرح‌شده به افزایش بودجه صداوسیما، گفته است: «مگر ما بودجه را تنظیم کردیم؟ هر دستگاهی مسئول انجام یک وظیفه است و به‌سادگی می‌توان رفت و بررسی کرد و دید چقدر در کسب اهداف موفق بوده است. آیا رسانه‌هایی که اعتقاد دارند صداوسیما مخاطب ندارد، جرأت دارند مخاطب امسال خودشان را با مخاطب ۱۰ سال پیش مقایسه کنند یا خیر؟ این وظیفه عمومی همه دستگاه‌ها است که به وظایفی که برای‌شان مشخص شده است، عمل کنند.» او که این صحبت‌ها را در گفت‌وگو با ایلنا مطرح کرده، افزوده است: «حقوق و دستمزد همکاران ما ممکن است براساس افزایش بودجه سننوائی ۲۰ درصد باشد؛ منتها تولید تابع افزایش بودجه نیست، تابع تورم است. در نتیجه دستمزد عوامل تولید هیچ‌گاه براساس افزایش ۲۰ درصدی حقوق و دستمزد‌ها محاسبه نمی‌شود بلکه براساس تورم سالیانه محاسبه می‌شود.»



۲۵ میلیون دلار به باد رفت

یک کارمند مالی که در یک شرکت چندملیتی در هنگ‌کنگ مشغول به کار بوده است، با فریب خوردن از کلاهبرداری که از فناوری دیپ‌فیک یا جعل عمیق استفاده کرده بودند مبلغ ۲۵ میلیون دلار به آن‌ها پرداخت کرد. خیر آنلاین ضمن اعلام این خبر به نقل از یورونیوز نوشت، پلیس هنگ‌کنگ گفته است سارقان در این کلاهبرداری پیچیده، به‌عنوان «مدیر مالی» با کارمند تماس برقرار کرده و صحنه ویدئوکنفرانس را طوری چیده بودند که گویی چند نفر دیگر از کارکنان شرکت نیز در جلسه حضور دارند. در حالی که تمام افراد در جلسه از طریق فناوری جعل عمیق درست شده بودند و واقعی نبودند، باین حال این کارمند شک و تردیدهای اولیه خود را پس از برقراری تماس ویدئویی کنار گذاشت، زیرا سایر افراد حاضر در جلسه دقیقاً شبیه همکارانی بودند که او می‌شناخت. این فرد با اعتقاد به اینکه همه اشخاص حاضر در تماس واقعی هستند، موافقت کرد که در مجموع ۲۰۰ میلیون دلار هنگ‌کنگ (حدود ۲۵۶ میلیون دلار آمریکا) پرداخت کند.



حلقه منتقدان لندن برندگان خود را شناخت

فیلم «منطقه مورد علاقه» ساخته جاناتان گلنیز چند جایزه از جمله بهترین فیلم، کارگردانی و دستاورد فنی جوایز سالانه حلقه منتقدان لندن را دریافت کرد و فیلم «همه ما غریبه‌ها»، به کارگردانی اندرو هیگ نیز جایزه بهترین فیلم بریتانیایی سال را به خود اختصاص داد. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، در شاخه بهترین فیلم خارجی سال نیز «زندگی‌های گذشته»، ساخته سلین سونگ برگزیده شد. بخشی از فهرست برندگان جوایز حلقه منتقدان لندن در سال ۲۰۲۴ از این قرار است: «۲۰ روز در ماریویل» برنده جایزه مستند سال، «پسر و مرغ ماهیخوار» برنده جایزه انیمیشن سال، جاستین تریه و آرتور هراری برنده جایزه فیلمنامه‌نویس سال برای «ناتومی یک سقوط»، اما استون برنده جایزه بازیگر زن سال برای «بیچارگان»، اندرو اسکات برنده جایزه بازیگر مرد سال برای «همه ما غریبه‌ها»، داوین جوی راندولف برنده جایزه بازیگر نقش مکمل زن سال برای «جاماندگان» و چارلز ملتون برنده جایزه بازیگر نقش مکمل مرد سال برای «می‌دسامبر».

ایستاده‌منم در میان این طوفان

شمایل زن آزاد در سیمای سوسن تسلیمی به مناسبت زادروز او



کارنامه بازیگر



۱۸ بهمن‌ماه ۱۳۲۸ در رشت به دنیا آمد. مادرش منیره و پدرش خسرو، بر او سوسن نام نهادند. برادرش نیز سیروس نام گرفت؛ خانواده‌ای همگی در تکاپوی فرهنگ و پویندگی در صحنه سینما و پرده تئاتر. در جامعه و جهانی که نمایش تصویر زنان در فیلم برای بازیگران نه سکوی موفقیت که آغاز مخالف‌خوانی‌ها و مصیبت‌سرابی‌ها بود. چنان که بر سر روح‌انگیز سامی‌نژاد، بازیگر فیلم «دختر لر» آن رفت که همه می‌دانند و بهمن مقصدولو شمه‌ای از آن مصائب را در مستند سه‌قسمتی «لبه تیغ» به تصویر کشیده است. منیره، در دهه ۱۳۲۰ به عالم هنر راه یافت و بدل به یکی از بازیگران موفق سینما و تئاتر شد. عمر او البته کوتاه بود و در عنفوان جوانی، در اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۳ در اثر مرگی نابهنگام از دنیا رفت. سوسن اما راه مادر را ادامه داد و به یکی از چشمگیرترین نام‌های بازیگری سینما و تئاتر ایران بدل شد؛ آن چنان بزرگ که وقتی در مقدمه کتاب «سوسن تسلیمی در گفت‌وگویی بلند با محمد عبیدی»، می‌خوانیم: «سوسن تسلیمی نیازی به معرفی ندارد؛ همو که همه این سال‌ها- به‌رغم غیبت طولانی‌اش در ایران- که حالا عمری شده- سی‌وچندسال، عنوان بهترین بازیگر زن تاریخ سینمای ایران را- به حق با خود یک می‌کشد» و «من که اساساً به گمانم این عنوان را به‌راحتی می‌توان به «بهترین بازیگر تاریخ سینمای ایران»- چه زن و چه مرد- تغییر داد تا حق مطلب بهتر ادا شود» چندان شگفت‌زده نمی‌شویم. او به‌راستی راز بزرگی را یافته و غیبت دیرپایش در سینمای ایران روزبه‌روز بیشتر حضور قدرتمندی‌پدیش در دهه‌ای آشنوناک را به یاد همه ما می‌آورد؛ غایب همیشه حاضر.

کارنامه‌ای کوتاه اما کلان

سوسن بازیگری را از رشته تئاتر دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و حضور نزد اساتیدی چون حمید سمندریان آغاز کرد و با «کارگاه نمایش» آربی اوانسیان ادامه داد. بهرام بیضایی اما این بخت بلند را داشت که پس از پایان همکاری با پروانه معصومی در «رگبار»، «غریبه و مه» و «کلاغ»، نقش‌های شخصیت اول زن فیلم‌هایش از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۶، از «چریکه تارا» تا «مرگ یزدگرد»، از «باشو، غریبه کوچک» تا «شاید وقتی دیگر» را برای او بنویسد؛ بازیگری که وقتی درخشش او در نقش «مده» در غربت سرد سوئد، چشم‌مان را تر و دل‌مان را گرم می‌کرد، بیضایی برای مسئولان وقت سینمای ایران درباره او چنین نوشت: «سینمای ایران الان بیشتر از ۲۰۰ کارگردان و فیلمنامه‌نویس دارد



سوسن تسلیمی بیشترین حضورش در مقام بازیگر با سینمای بهرام بیضایی گره خورده است و می‌توان حضور او در سریال «سربداران»،

سوسن تسلیمی از جمله نامورترین بازیگران تئاتر و سینمای ایران است. او که پیش از انقلاب ۱۳۵۷، فقط بر فعالیت در تئاتر متمرکز بود، در یک دهه نخست پس از انقلاب به مشهورترین بازیگر زن سینمای ایران بدل شد و با نقش‌آفرینی در آثار بهرام بیضایی، نزد منتقدان سینمایی نیز اعتباری روزافزون یافت. باین همه مجموعه‌ای از عوامل مختلف بیرونی و درونی که هنوز نیز به درستی نمی‌توان نقش و وزن هر یک را مشخص کرد، باعث شد او در میانه دهه ۱۳۶۰ تن به مهاجرت بدهد؛ سفری سی‌وچندساله به سرزمین سرد سوئد. او در تمام این سال‌ها البته عمده فعالیت خود را به هنر تئاتر و سینما اختصاص داده است اما هنوز این دریغ و حسرت وجود دارد که ای کاش او همچنان در ایران می‌ماند و برای مردم و وطنش می‌نوشت، می‌ساخت و بازی می‌کرد که شاید می‌توانست درخشش بیشتری در کارنامه هنری خود ثبت کند. می‌دانیم که بسیاری از هنرمندانی که راهی هجرت شدند، آن پویایی پیشین را از خویش در آن سوی مرزها بروز ندادند و حتی برخی گاه آلوده مناسباتی غیرهنری و سیاسی نیز شدند. سوسن تسلیمی البته در همه این سال‌ها، در مجموع کوشیده بود هنر را فدای سیاست نکند که متأسفانه این اواخر نتوانست. به هر روی این صفحه به مناسبت زادروز سوسن تسلیمی و به احترام تلاشی است که او در سال‌های حضور در ایران در عرصه هنر از خود به نمایش گذاشت.

ولی خانم تسلیمی در ایران فقط یکی است و باید قدر او را دانست.» قدر او البته که دانسته نشد و تسلیمی هر قدر که در غربت تقدیر شد، در وطن جفا دید. از تئاتر شهر اخراج شد و هیچ کدام از همکاری‌هایش با بیضایی را در ایران بر پرده سینما به تماشا ننشست. سه همکاری نخست که توقیف شدند و «شاید وقتی دیگر» نیز که در این میان کامیاب بود و در بهمن‌ماه ۱۳۶۶ و در جشنواره فجر به نمایش درآمد، او دیگر در خانه نبود. کارنامه کوتاه اما پر بار سوسن در سینمای ایران، البته دو فیلم دیگر را نیز در انبان دارد: «طلسم» به کارگردانی همسر تسلیمی، داریوش فرهنگ و «مادیان» اثر علی زکان که در آنجا نیز تسلیمی خوش درخشید اما به طرز غریبی نه تنها آن نمایش چشم‌نواز نادیده گرفته شد، بلکه به تعبیر زکان: «در جشنواره چهارم فیلم فجر در مراسم اختتامیه، در تالار وحدت اهانت مستقیم و هول‌انگیزی به او شد. او برای اولین فیلم‌اکران شده‌اش، «مادیان» در جشنواره شرکت کرده بود اما مسئول سینمایی وقت، پشت تریبون اعلام کرد که هیچ زنی را مستحق دریافت جایزه نمی‌داند. در حالی که همه‌می‌دانستند سوسن تسلیمی با آن بازی درخشان، شایسته دریافت جایزه بود.»

برای تسلیمی البته ستاره سینما شدن، هدف نبود: «هیچ‌وقت به ستاره شدن فکر نمی‌کردم. تربیت ما در گروه آربی مخالف هر نوع ستاره‌سازی بود. برای من تئاتر و فیلم، یک کار معنوی و یک کار درونی است. اثری که از آدم می‌ماند، مهم است. کاری که ما می‌کنیم، فقط برای الان نیست، برای آیندگان هم هست و در تاریخ می‌ماند. این تاریخ مملکت است که ثبت می‌شود...» با چنین نگرشی است که او شاید حتی «ترک ایران» را نیز از نظر «ثبت در تاریخ»، مهم می‌داند: «ترک ایران، یک اعتراض بود. اعتراضی که فکر می‌کنم انعکاس‌اش هم در ایران بعد از رفتن من دیده شد. آن موقع من دیگر از اعتبار فرهنگی بر خوردار بودم و رفتن من، سوال ایجاد کرد. فکر می‌کنم هر کسی که اعتباری داشت و رفت، سوال ایجاد کرد و این در تاریخ ثبت می‌شود.»

زن‌ترین زن

پیش‌تر از موقعیت دشوار بازیگران زن در تئاتر و بدتر از آن سینما، در ایران سخن به میان آمد. این گزاره البته بخشی از تجربه زیسته تسلیمی در آن دوران نیز بوده است: «مشکل ما به‌عنوان بازیگر زن این بود که حالا اگر کسی می‌پرسید چه کاره‌اید، باید ناچار اعتراف می‌کردیم که بازیگریم. نگاه جامعه به بازیگر زن، خیلی بد بود. تصور همان فیلمفارسی بود. زنان اکثراً نقش دختران فریب‌خورده یا رفاصه‌های کافه‌ها را بازی می‌کردند؛ آن هم به‌شکل سطحی و بدون پرداخت نمایشی نقش.» در یک کلام «سینما مردانه بود» و جز برخی تلاش‌های سینماگرانی چون ابراهیم گلستان در «خشت و آینه» و بیضایی در عموم آثارش، تصویری که از زن در سینما بازتاب می‌شد، بیشتر به «تیپ»

«سربداران» در دهه ۶۰، وارد خانه میلیون‌ها ایرانی شد. کاراکتر «فاطمه» در این مجموعه، رهبری گروهی از جنگجویان را برعهده داشت. درواقع فاطمه شمایل‌ی از یک زن مبارز و قهرمان و قدرتمند که شاید تا پیش از اینکه با چنین تصویری از یک زن در سریال‌های تلویزیونی و حتی سینما مواجه نشده بودیم. نقشی که البته با سانسورهای هم همراه شد و برخی از سانسورهای که تسلیمی بازی کرده بود، به دلایلی از تلویزیون پخش نشد. جالب اینکه وقتی پیشنهاد بازی در سریال سربداران را به تسلیمی می‌دهند و او قبول نمی‌کند، محمدعلی نجفی به‌عنوان کارگردان و کیهان رهگذار در جایگاه نویسنده بارها با او صحبت می‌کنند و می‌گویند که نقش فاطمه را براساس نظرات او کامل می‌کنند. تسلیمی در سریال نقش فاطمه را بازی می‌کند که زنی جسور و قوی است که نقش مهمی در هدایت قیام و مبارزه مردم علیه حاکمان مغول دارد، اما باز هم صحنه‌های مربوط به بازی تسلیمی را از سریال درمی‌آورند و حضورش را چنان کم می‌کنند که چیزی از نقش باقی نمی‌ماند: «صحنه‌هایی بود که من رهبری جنبش را به

به کارگردانی محمدعلی نجفی را هم متأثر از این حضور دانست. متأثر از سابقه او در ایفای نقش‌های تاریخی از جمله در «مرگ یزدگرد» که در حافظه تاریخی سینمای ما و نقش‌های تاریخی ماندگار شده است. بیضایی در ستایش هنر بازیگری او گفته است: «سوسن تسلیمی از آن دست بازیگرانی است که هر ۱۰۰ سال یک‌بار ظهور می‌کنند.» در میان نقش‌هایی که تسلیمی بازی کرده، بازی‌اش در سریال «سربداران» را می‌توان نقطه عطفی دانست. نه از اینکه نخستین تجربه بازیگری او در یک سریال تلویزیونی بوده که به‌دلیل اینکه با ایفای نقش فاطمه در سریال